

نقش انضباط و وجدان کاری در پیشرفت و توسعه جامعه بر مبنای فرهنگ و آموزه‌های اسلامی*

□ اسماعیل خارستاني^۱
□ فاطمه سیفی^۲

چکیده

مفهوم کار بدون انضباط و وجدان کاری کامل نیست. در صورتی که افراد جامعه کارها را بدون در نظر گرفتن این مؤلفه‌ها انجام دهند، در طول زمان از اهداف مور نظر باز می‌مانند. بنابر این لازم است در کنار مفهوم کار، انضباط و وجدان کاری نیز تعریف شود تا با اتصال به آن بتوان جامعه را به سر منزل مقصود رساند. پیشوایان دین، مردم را به داشتن انضباط و وجدان در کار دعوت کرده‌اند و در سخنانش مردم را به داشتن آنها رهنمون ساخته و آثار شایسته آن را بیان نموده‌اند.

هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش و جایگاه انضباط و وجدان کاری در پیشرفت و توسعه جامعه بر مبنای فرهنگ و آموزه‌های اسلامی است. روش مورد استفاده در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها به صورت کتابخانه‌ای است. روش مورد استفاده در سازماندهی و انجام

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۸

تحقیق، توصیفی و تحلیلی است.

معانی و مفاهیم کار، وجودان، وجودان کاری و انصباط، جایگاه و اهمیت وجودان کاری، جایگاه و اهمیت نظم و انصباط، مؤلفه‌های انصباط، مؤلفه‌های وجودان کاری، راه کارهای ایجاد و تقویت وجودان کاری و راه کارهای ایجاد نظم و انصباط در کار در این تحقیق بررسی و تحلیل شده است.
واژگان کلیدی: انصباط، وجودان کاری، مؤلفه‌ها، راه کارها، فرهنگ اسلامی.

۱. مقدمه

تاریخ اندیشه و کار، همزاد با تاریخ وجود انسان است. آدمی از همان آغاز برای بقای وجود و تداوم حیات خویش کار و تلاش کرده است. نگرش افراد نسبت به کار مقدار زیادی بستگی به تجربه زمان رشد، تعلیم، آموزش و پرورش آنان دارد. یک اقتصاددان کار را جهت استقلال مالی به منظور تشکیل خانواده، داشتن خانه و لذت بردن از زندگی می‌داند. یک فرد مذهبی کار را وسیله‌ای جهت خدمت به دیگران می‌پنداشد. از نظر یک جامعه‌شناس کار وسیله ارتباط با خانواده، جامعه و همانندی با گروه است و یک روانشناس عقیده دارد که چنانچه شخص بخواهد از نظر روانی سالم باشد، کار و فعالیت ضروری است (شفیع آبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۸).

کار و کوشش، قانون عام آفرینش برای شکوفایی اقتصادی و دست‌یابی به اهداف است. خداوند در این باره هیچ بخلی نورزیده است. هر که این قانون را به درستی به کار گیرد، دنیای او رونق می‌گیرد و شکوفا می‌شود؛ اگر چه بر آینی جز آین اسلام باشد. در مقابل، هر که از این قانون مهم، غفلت کند و آن را نادیده انگار و وانهد، دچار تنگنا، عقب ماندگی و تهیه‌ستی خواهد شد.
اهل بیت علیهم السلام به خوبی از این قانون آگاه بودند، چنان که سامان بخشیدن به دنیای انسان‌ها را در گروپای بندی به این قانون می‌دانستند. در نتیجه، آنها را به کار و کوشش فرا می‌خوانند.

بسیاری از نابسامانی‌های اجتماع این واقعیت را می‌نمایاند که صرفاً موقیت

در تحصیل، کار و کسب و غیره، ما را به کامیابی نمی‌رساند. بلکه برای کسب رضای باطنی باید بین پیشرفت در کار و روابط خود با خانواده، جامعه و پروردگار، توازنی ایجاد کنیم تا به معنای رسیدن به کمال دست یابیم (بلانکارد، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹).

حاکم کردن نظم و انضباط در کارها، موجب می‌شود که هر کاری به جا و به موقع انجام پذیرفته، نتیجه بخش و سودمند باشد. فردی که نظم را رعایت می‌کند، فعالیت‌هایش از نتیجه بهتر و بیشتری برخوردار خواهد شد.

کسی که در زندگی خود منظم است و کارهایش را براساس یک برنامه‌ریزی حساب شده انجام می‌دهد، در برخورد با دیگران نیز نظم را رعایت کرده، از تلف شدن وقت و عمر آنان جلوگیری می‌کند، زیرا با اجرای نظم و سامان دادن فعالیت‌هایش، موجب خواهد شد که دیگران در مدت زمانی که با او هستند، بیشترین بهره را برد و عمرشان پریارتر گردد.

یکی از عوامل اساسی مشکلات و به هم ریختگی امور و کارهای جامعه نبود وجودان کاری است، با عنایت به این امر است که امام رضا^{علیه السلام} با رفتار و گفتار خویش آحاد مردم را نسبت به داشتن وجودان در کارها دعوت و تشویق می‌نمود. امام رضا^{علیه السلام} در این خصوص می‌فرماید: «اختلال که به هم خوردگی نظم است، نمی‌گذارد که اعصاب وظیفه خود را طبیعی و کامل انجام دهد، افکاری که از مغز آلوده و اعصاب غیر منظم پدید می‌آید، آلوده و غیر منظم است» (امیر صادقی، ۱۳۸۱، صص ۲۰۱-۲۰۲).

انگیزه‌های درون آدمی، نقطه آغاز وجودان کاری محسوب می‌شوند، اما چگونگی تقویت و نگهداشت این انگیزه‌ها، محرك اصلی مفهوم وجودان کاری است. وجودان کاری اقتضا می‌کند که انسان در هیچ کاری تقلب ننماید و به فرد دیگری ضرر نرساند و از در خدعا و مکر با او رفتار نکند.

۲. بیان مسأله

انضباط چیزی جز همان مجموعه الگوهای رفتاری فرد در جامعه نیست. بنابراین برای محقق شدن بهتر آن و یا جلوگیری از بیانضباطی لازم است به نهادهای اجتماع و عناصر تشکیل دهنده آن و به طور کلی خود جامعه رجوع کرد. بی تردید توفیق هر جامعه انسانی در رسیدن به خواسته هایش تنها در گرو تأمین وجودان کاری و انضباط است.

برای این که دو مقوله به صورت هنجارهای فردی و اجتماعی مطرح شوند، باید در ذهن و روان جامعه به صورت درونی و عاطفی مطرح گردد.

هیچ جامعه و سازمانی بدون نظم و انضباط قادر به تعالی نیست. هر سازمان و جامعه ای برای خود یک نظام و ترتیب و در نهایت انضباط خاص دارد. انضباط چیزی نیست که به طور صرف جنبه اکتسابی داشته باشد، بلکه بیشتر جنبه درونی دارد، یعنی فرد از ورود به خانواده تا خارج شدن از مکانیسم های مختلف اجتماعی و ایفای نقش های گوناگون در میادین مختلف، همواره در معرض درونی شدن ارزش ها، باورها، اعتقادات، آداب و رسوم، قوانین و ضوابط، رفتارها و الگوهای رفتاری، دانش ها و معرفت های مختلف مورد قبول جهان یینی و فرهنگ کلی حاکم بر آن جامعه است.

هیچ سازمان و جامعه ای بدون نظم و انضباط و وجودان کاری راه به جایی نمی برد؛ البته هر گونه بی نظمی و بی انضباطی و نداشتن وجودان کاری مانعی جدی در سیر به سوی اهداف تعیین شده ایجاد می کند.

بنابراین مسأله اصلی تحقیق حاضر این است که انضباط و وجودان کاری چه نقشی در پیشرفت و توسعه جامعه دارد؟ در این تحقیق براساس فرهنگ و آموزه های اسلامی به این سؤال پاسخ داده می شود.

۳. اهداف تحقیق

۱. بررسی معانی و مفاهیم کار، وجودان، وجودان کاری و انضباط؛

۲. بررسی جایگاه و اهمیت وجودان کاری؛
۳. بررسی جایگاه و اهمیت نظم و انضباط؛
۴. بررسی مؤلفه‌های انضباط در کار؛
۵. بررسی مؤلفه‌های داشتن وجودان کاری؛
۶. بررسی راه کارهای ایجاد و تقویت وجودان کاری؛
۷. بررسی راه کارهای ایجاد نظم و انضباط در کار.

۴. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق برای جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها به صورت کتابخانه‌ای است. روش مورد استفاده در سازماندهی و انجام تحقیق توصیفی و تحلیلی است. به این صورت که با بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات موجود در مجلات، پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع مورد بحث، روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام استخراج شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

۵. معانی و مفاهیم

۱. معنا و مفهوم کار

در فرهنگ فارسی «کار» چنین تعریف شده است «آنچه از کسی سر می‌زند، عمل و دیگر این که فعالیت که شخص به طور روزانه به آن مشغول است و به طور معمول بابت آن حقوق دریافت می‌کند» (انوری، ۱۳۸۱). در عرصه کسب و کار، کار به هر نوع مصنوع تکنولوژی یا انسان خطاب می‌شود، ولی تعریف مورد نظر در فرهنگ کار، بعد اقتصادی آن است که به معنی فعالیت‌های فکری و یدی انسان است که موجب ایجاد ارزش افزوده در تولید کالا یا خدمات گردد. به عنوان مثال، معلم به هنگام انتقال مطالب به فراغیان، داروساز به هنگام آزمایش عناصر شیمیایی برای تولید دارو، کارگر در زمان ساخت یک محصول

انجام دهنده کار هستند. انجام کار به طور غالب در بردارنده درآمد یا منافع مادی و معنوی برای انجام دهنده آن است (مجتبوی نائینی، ۱۳۷۲).

به زعم چلبی، کار شکل آشکار کنش ابزاری است و صرف انرژی برای تبدیل وضع موجود به مطلوب است تا پاسخ‌گویی به نیازهای انسان را ممکن سازد و کار نفی وضع موجود برای افزایش ارزش استفاده چیزی در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی و انسانی است (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۸).

۲.۵. معنا و مفهوم وجودان (ضمیر)

در زبان فارسی، «وجودان» (با کسر یا ضم نون) به معنای نیروی باطنی که خوب را از بد تشخیص می‌دهد (معین، ۱۳۸۰، ص ۹۷)، تعریف شده است.

در اصطلاح «وجودان همان محرک درونی است که انسان را برای دست‌یابی به ایده‌آل خود، تحریک می‌نماید (جعفری، بی‌تا، صص ۱۲-۱۳). انسان در اعماق درون خود، قوه‌ای می‌یابد که او را به عمل نیک و ادار نموده و از انجام کار بد بازمی‌دارد و در صورت ارتکاب، او را سرزنش و ملامت می‌نماید و در صورت انجام کار نیک، مورد تشویق قرار می‌دهد و نظری به لذت و سود ندارد، بلکه فقط آنچه را که وظیفه و تکلیف می‌داند، به آن امر و نهی می‌کند. در قرآن کریم از این درجات و مراتب به اماره، لواحه و مطمئنه تعبیر شده است.

۳.۵. معنا و مفهوم وجودان کاری

وجودان کاری بازگوکننده انگیزه درونی است که هر فرد با توجه به آن و با شناخت کامل به وظایف محوله، در صدد انجام بهینه کار خویش برمی‌آید. بنابراین، ملکه‌ای که بر طبق آن کاری بدون احتیاج به محرک‌های خارجی، با دقت و کامل انجام گیرد، برخاسته از وجودان کاری به شمار می‌آید. به طور خلاصه می‌توان گفت وجودان کاری برابر است با حالت ثابت درونی که فرد را به انجام درست دقیق کار، با میل و رغبت و اشتیاق ترغیب می‌کند (منطقی، ۱۳۷۵،

ص(۸)

مهم‌ترین نکته‌ای که در تعریف وجودان کاری باید در نظر گرفت، این است که وجودان کاری به مثابه عاملی برای انجام درست کار است. به عبارت دیگر، انجام درست کار می‌تواند متأثر از عوامل گوناگونی چون تشویق، تنبیه و کنترل خارجی باشد و ممکن است متأثر از وجودان کاری باشد. به این ترتیب می‌توان چنین تعریف کرد: وجودان کاری عاملی است که سبب می‌شود فرد بدون وجود هیچ کنترل خارجی و فیزیکی و به انگیزه درونی، از هیچ کوششی برای انجام خوب و درست کاری که به عهده او گذاشته شده است، فروگذار نکند (نادری قمی، ۱۳۷۵، ص(۲).

وجودان کاری، شکل درونی شده عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به کار است (رجب‌زاده، ۱۳۷۳، ص(۴).

۴.۵. معنا و مفهوم انصباط

لغت شناسان، نظم را به معنای آراستگی، هماهنگی، پیوستگی ترتیب زمانی یا عددی یا مکانی، رشتۀ مروارید، میزان کردن، قاعدة قانون و... دانسته‌اند؛ (دهخدا، ۱۳۸۹، ماده نظم). انصباط نیز در لغت به معنای استوار شدن، نگاه داشتن، رعایت قوانین و مقررات و نیز وفای به نظم است (همان).

انضباط، قانون زندگی است و از گذر آن، فعالیتها و رفتارها در ضابطه‌ای خاص در می‌آید و هر کس در می‌یابد که چگونه باید زندگی کند و چگونه از اوقات خود به گونه شایسته بهره جوید.

۶. جایگاه و اهمیت وجودان کاری بر مبنای فرهنگ و آموزه‌های اسلامی در فرهنگ اسلامی هرگونه عمل هدفمند که پروردگار آن را بپسندد، عبادت است. بنابر این، شایسته است مسلمان در همه فعالیت‌های فردی و اجتماعی خویش، دقت و تلاش فراوانی به کار گیرد و با احساس مسؤولیت، وظایف خود

را به بهترین شکل انجام دهد.

پیشوايان ديني به اهميت و جدان کاري در جاهای مختلف تأكيد و رزيدهاند.
امام على علیه السلام می فرماید: «امانت داری و وفای به عهد، درست انجام دادن
کارهاست» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۷، فصل ۱، ح ۲۱۰۵).

در حقیقت کارهای دیگران، امانت‌هایی هستند که به ما سپرده شده‌اند و ما در
انجام دادن درست آنها مسؤولیم. از این‌رو، باید برای توفیق در این امر از خداوند
کمک بخواهیم. امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم علیه السلام نقل می‌کند: «از خداوند،
راستی و درستی بخواهید و همراه با آن، درست کاری را از او درخواست کنید»
(نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۶۰).

بهره‌مندی از وجدان کاري، نشان دهنده عنایت الهی به بندۀ درست کار است،
چنان‌که حضرت على علیه السلام نيز در تأييد اين سخن می فرماید: «مَنْ أَمَدَهُ اللَّهُ تَوْفِيقُ
أَحْسَنَ الْعَمَلَ» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۷، فصل ۷۷، ح ۶۳۱)؛ هر کس توفیق الهی
مدد کارش باشد، کار را به خوبی و درستی انجام می‌دهد.

پیامبر گرامی اسلام علیه السلام نيز فرموده‌اند: «خداوند کسی را که [هرگاه] کاري بر
عهده‌اش می‌نهند به درستی انجام می‌دهد، دوست می‌دارد» (محمدی ری شهری،
۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۹).

این روایات تبیین کننده جایگاه و جدان کاري است و نشان دهنده اهمیت آن
در زندگی و در کارهاست.

۷. جایگاه و اهمیت نظم و انضباط بر مبنای فرهنگ و آموزه‌های اسلامی
در تبیین جایگاه و اهمیت نظم و انضباط همین بس که امیر المؤمنین علی علیه السلام در
واپسین روزهای زندگی شریف‌شان در توصیه به نظم، آن را از ارزش‌های برتر
اسلامی معرفی نموده و هم ردیف با تقوای الهی قرار می‌دهند «أُوصِّيكُمَا وَ جَمِيعَ
وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللهِ وَ نَظِمٌ أَمْرِكُمْ» (دشتی، ۱۳۸۹، نامه ۴۷)،

ص ۹۷۷)؛ من شما - حسن و حسین! - و همه فرزندان و خانواده‌ام و هر کسی را که این نوشته‌ام به او به رسید به ترس از خدا و رعایت نظم کارتان سفارش می‌کنم. این سفارش حضرت در راستای امر خداوند به اقامه قسط و عدل و رعایت آن در روابط اجتماعی و نهی از ایجاد فساد می‌باشد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوْنُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء/۱۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید. همچنین «وَ لَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (اعراف/۷۴) و در زمین سر به فساد بر مدارید. تقوا و نظم هر دو لازمه زندگی بشر است. تقوا برخی از مفاسد بی‌نظمی و بی‌انضباطی را از بین می‌برد ولی نگاه یک سویه به دین و جدا نمودن نظم مداری و تشکیلات، از دین، قادر است ارکان ایمان و معنویت را متزلزل و محیط فاسدی به وجود آورد.

۸ مؤلفه‌های انضباط در کار بر مبنای فرهنگ و آموزه‌های اسلامی

۱.۸ برنامه‌ریزی برای انجام کار

از لوازم اساسی و مهم در تحقیق نظم و انضباط امور، برنامه‌ریزی درست کارها است به گونه‌ای که هر چیز در جایگاه خود قرار گیرد و در زمان معین صورت پذیرد. رسول خدا ﷺ اوقات خویش را سه قسمت می‌کرد؛ بخشی را برای عبادت خدا، بخشی برای خانواده و بخشی را به خود اختصاص می‌داد و سپس بخش مربوط به خود را میان خود و مردم تقسیم می‌کرد (علالی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۰۶).

امام رضا علیه السلام نیز به موضوع برنامه‌ریزی و تدبیر در معیشت و تعیین برنامه توجه کامل داشتند و در سفارشات و راهنمایی‌های خود می‌کوشیدند زندگی مردم را نظاممند سازند. آن حضرت علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند:

بخش از زندگی را برای ارتباط و راز و نیاز با خداوند قرار دهید.

بخشی دیگر را برای امور معاش و گذران زندگی تنظیم نمایید.

قسمتی را برای معاشرت با دوستان مورد اعتماد و آنها که عیب شما را معرفی می‌نمایند و در باطن با شما اخلاص می‌ورزند قرار دهید.

بخش نهایی را برای بهره‌گیری از لذات مشروعتان قرار دهید. زیرا با استفاده از این اوقات است که شما قادر به تلاش در زمان‌های دیگر خواهید شد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۲۳).

برنامه‌ریزی، بهره‌گیری از لحظه لحظه عمر و راه رسیدن به مقصود با کمترین امکانات است. انسان با برنامه‌ریزی می‌تواند مشکلات احتمالی را پیش‌بینی و برای آنها راه چاره پیدا کند.

۲.۸. استفاده از وقت و زمان

یکی دیگر از مؤلفه‌های انضباط در کارها، استفاده صحیح از زمان‌ها و معتبر نشمردن زمان است. ارزش وقت و زمان و عمر در فرهنگ اسلامی به نحو قابل توجهی مورد تأکید و عنایت قرار گرفته است. عمر و زمان بهترین و ارزشمندترین سرمایه انسانی است که در صورت از دست رفتن، دوباره به دست نخواهد آمد. در روایات اسلامی بر اهمیت و جایگاه زمان و فرصت‌ها و همچنین استفاده بهینه و مطلوب از آن تأکید فراوان شده است. امام علی علیه السلام به خلاف فرهنگ عامه که عمر انسان‌ها را با سال می‌سنجند، عمر انسان را با تعداد نفس‌های او می‌سنجند و این حساسیت عمر انسانی و سرمایه زندگی او را نشان می‌دهد؛ «إنَّ عَمرَكَ عَدْدَ أَنفَاسِكَ وَ عَلَيْهَا رَقِيبٌ تُحصِّيَهَا» (آمدی، بی‌تا، ص ۱۵۸)؛ عمر تو، شماره نفس‌های تو است و این نفس‌ها را نگهبانی شمارش می‌کند.

زمان از میان رفتگی است و نمی‌توان آن را پس انداز کرد. تنها می‌توان آن را به روش‌های مختلف به بهره‌وری رساند. وقت آن قدر ارزشمند است که خداوند به آن سوگند یاد کرده است. به قول برایان تریسی: «کیفیت زندگی شما

به میزان بهره‌وری شما از زمان بستگی دارد و این که کیفیت مدیریت زمان شما در استفاده بهتر از وقت چگونه است» (برایان تریسی، ۱۳۸۹).

﴿۱۴۵﴾

۳.۸. تخصص مداری

توجه به تخصص یکی دیگر از مؤلفه‌های انضباط در کار است و در آموزه‌های دینی، به موضوع تخصص در کار و حرفه بسیار توجه شده است. امام رضا علی‌الله‌آل‌الیه‌السلام افراد را از سپردن کارها به دست افراد بی‌تشخیص و غیر متخصص بازداشت و این مسئله را جزئی از اسلام خالص دانسته و فرموده است: «... البرائة ممن نفي الاختيار... و آوى الطرداء اللعناء... استعمل السفهاء» (صدقوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۶)؛ [جزء اسلام خالص است]، بیزار بودن از کسانی که نیکان را تبعید کردند و کسانی را که باید رانده می‌شدند، در مرکز اسلامی پناه دادند و کم خردان (آگاهان و غیر متخصصان) را به کار گماردند.

امام رضا علی‌الله‌آل‌الیه‌السلام نابسامانی، بی‌عدالتی، تبعیض، فقر، محرومیت و مشکلات جامعه اسلامی را به علی نسبت می‌دهد که از آن جمله به کار گماردن جاهلان و اشخاص سفیه و ناآگاهان است. بنابراین به کار گماردن کسانی که از نظر فکر و فن اداره جامعه و تدبیر امور مالی و مدیریت اقتصادی و دیگر مسائل اجتماعی، تخصص‌های لازم را ندارند، باعث عقب‌ماندگی، نابسامانی، فقر و محرومیت خواهد بود (حکیمی، ۱۳۷۰، صص ۱۲۷ و ۱۲۹).

بدیهی است که انجام کار نیکو، نتیجه معرفت و دانش، تجربه و تخصص و رحمت و کوشش است. به همین جهت، ضمن تأکید بر یادگیری و کسب تخصص لازم و ایجاد زمینه‌های مورد نیاز آن، به تناسب مسؤولیت‌ها و دانش و توانایی لازم، به انجام دادن آنها، اهمیت فراوانی داده شده است. امام صادق علی‌الله‌آل‌الیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

سزاوار نیست که مؤمن خود را خوار کند. به حضرت گفته شد: مؤمن چگونه

٤.٨. مدیریت

یکی از مؤلفه‌های اصلی انضباط کاری، رهبری و مدیریت است. هیچ جامعه و سازمانی بدون نظام و سیستم مدیریتی و کنترلی نمی‌تواند به کمال خویش دست یابد. مدیریت است که می‌تواند نقش هدایتی، هماهنگی و نظارت را در جامعه به عهده گیرد و افراد را در آن مسیر قرار دهد. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّا لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرَقِ وَ لَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَّ بَقَوْا وَ عَاشُورَا إِلَّا بَقِيَّمُ وَ رَئِيسٌ. لَمَّا لَبَدَ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا...» (صدقوق، ١٣٨٥ق، ص ٢٥٤)؛ ما هیچ گروه و هیچ ملتی را نمی‌یابیم که پایدار مانده و زیسته باشد مگر با سرپرست و پیشوای؛ زیرا در کار دین و دنیای خود از او ناگزیرند ... و جز بدون او پا بر جا نیستند ... اگر برایشان پیشوای سرپرستی درستکار امانت دار و نگهبان گمارده نمی‌شد، آیین، کهنه شده، دین از میان رفته و سنت دگرگون می‌شد.

چگونگی مدیریت و نظام اجرایی مدیر، زمینه‌ساز انسجام و یا از هم پاشیدگی جامعه است.

٥.٨. اتقان کار

یکی از مؤلفه‌های انضباط در کار، دقت در انجام آن و اتقان در عمل است. انجام درست و متقن عملی که به عهده فرد گذاشته می‌شود، خود ارزشی است که در روایات به آن توصیه شده و سیره عملی معصومان علیهم السلام نیز بیان گر آن است. شاید اتقان در عمل، اشاره به کیفیت مطلوب نیز باشد؛ در این صورت بر مدیران و همه کسانی که مسؤولیت طراحی و تولید را دارند، لازم است تا با دقت در کیفیت و ارتفاعی سطح آن، خدمات یا کالایی عرضه کنند که مورد پسند

ارباب رجوع یا مشتریان واقع شود.

در فرهنگ مدیریتی اسلام، به همان اندازه که از بی دقتی و بی توجهی به کارها ابراز تنفر می شود، از اتقان و استحکام کار جانب داری می گردد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

«ان الله تعالى يحب اذا عمل أحدكم عملاً أَن يتقنه» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۲۹)؛ خداوند متعال دوست می دارد هنگامی که یکی از شما مسلمانان کاری را انجام می دهد، با دقت و اتقان لازم، محصول کارش را ارائه دهد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ هر گونه کاری که انجامش را برای فرد و جامعه لازم و ضروری تشخیص می داد (کوچک یا بزرگ) در دقت و صحت کار، توجه کافی را مبذول می فرمود و هر گز کاری را به کیفیتی نامطلوب انجام نمی داد. اگر چنین ارزشی در میان کار کنان و حتی مدیران نهادینه شد، آنها بدون آن که نظارتی در کار باشد، خود به دلیل ارزش بودن اتقان کار و توصیه های دینی به آن تلاش می کنند کاری بی عیب و نقص ارائه نمایند.

۹. مؤلفه های داشتن وجود کاری بر مبنای فرهنگ و آموزه های اسلامی

۱.۹ اخلاص در کار

آنچه از روایات بر می آید، این است که اخلاص، اساس عبادت و روح عبودیت و بندگی است. ارزش عمل به خلوص نیت است. عملی که انگیزه های غیر الهی داشته باشد، خواه ریا کارانه باشد یا به خاطر هوای نفس و یا تشکر و قدردانی مردم، یا پاداش مادی باشد، هیچ گونه ارزش معنوی و مفهوم الهی ندارد. در حدیث مشهوری پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «نیة المؤمن خير من عمله و نية الكافر شر من عمله و كل عامل يعمل على نيته» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۱۳)؛ نیت مؤمن از عمل او بهتر و نیت کافر از عمل او بدتر است و هر کس

طبق نیتش کار می‌کند. پس نیت صحیح می‌دهد و هنگامی که اخلاص از میان رفته، عمل بیشتر جنبه ظاهری پیدا کرده، به منافع شخصی گرایش می‌یابد و عمق و اصالت و جهت صحیح خود را از دست می‌دهد.

در حدیثی از امام ششم علیه السلام آمده است: «و العمل الخالص الذى لا تريدان يحمدك عليه أحد الا الله عز و جل» (همان، ص ۱۱)؛ عمل خالص آن است که در آن جز از خداوند عز و جل انتظار سپاهی نداشته باشی. خداشناس و موحد راستین هرگز ذکر و فکر عملش را به غیر از رضای دوست انجام نمی‌دهد و خشنود است به آنچه که خدا برایش می‌خواهد.

۲.۹. تقویت ایمان و تقوا در افراد

با ایجاد قانون و مقررات می‌توان افراد را تا حدی به انجام وظایف خود واداشت، ولی در موارد متعددی استفاده از قانون و مقررات کاربرد ندارد. در حالی که اگر ایمان و تقوا در افراد جامعه حاکم باشد، فرد تکلیف مورد نظر خود را به خوبی به انجام خواهد رساند.

اگر بتوان روح معنویت و ایمان را در دل کارکنان بارور ساخت و افراد اعتقاد پیدا کنند که خداوند به اسرار دل و ضمیر قلب‌ها آگاه است (مؤمن ۱۹/ آنگاه خود به خود مسئله ناظرت حل می‌شود).

۳.۹. کار دیگران را کار خود دانستن

یکی از مؤلفه‌های داشتن وجودان کاری این است که افراد، کار دیگران را مانند خود بدانند. امام سجاد علیه السلام در این خصوص فرموده‌اند «يا زهرى! و ما عليك أن تجعل المسلمين منك بمنزلة أهل بيتك، فتجعل كبيرهم بمنزلة والدك و تجعل صغيرهم بمنزلة ولدك، و تجعل تربك منهم بمنزلة أخيك فأيّ هؤلاء تحبّ أن تظلم» (مجلسی، ج ۶۸، ص ۲۳۰)؛ ای محمد بن مسلم زهری! مسلمانان را

همچون اهل خانه خود بدان، پس بزرگشان را پدر خود گیر، کوچکشان را فرزند خود و همسن خود را برادر! آیا دوست داری به کدام یک از اینان (پدر، فرزند، برادر خود) ستم کنی؟ همچنان که عیسی بن مریم علیهم السلام فرموده است: «ما لا تحبّ أَن يفعل بِكَ فَلَا تفعِلْ بِأَحَد» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۱۰۶، ح ۲۰۰۷۸)؛ آنچه را که دوست نداری درباره تو انجام دهن، درباره هیچ کس انجام مده. در این صورت است که کارها به درستی و با بهترین روش انجام خواهد شود.

۴.۹. توجه به توانایی و مهارت خود، در به عهده گرفتن کار محوله
 در بسیاری از موارد دیده می‌شود که شخص به خاطر بی‌تدبیری دست به کاری می‌زند یا کاری را عهده‌دار می‌شود که قادر به انجام آن نبوده و یا مهارت لازم را پیرامون آن ندارد، در نتیجه باعث شکست خود و خسaran طرف مقابل می‌شود. پیامبر گرامی علیهم السلام در این خصوص می‌فرمایند: «من عمل علی غیر علم کان ما یفسده أكثر ممّا يصلح» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۸)؛ آن که بدون دانش (مهارت و تخصص) به کاری دست زند، بیش از این که آن کار را درست انجام دهد، خراب می‌کند. امام صادق علیهم السلام نیز در همین خصوص فرموده‌اند: «لا ينبغي للمؤمن أن يذل نفسه قيل له: و كيف يذل نفسه؟ قال: يتعرض لما لا يطيق» (حکیمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۴۸)؛ مؤمن را نشاید که خود را خوار کند. راوی حدیث می‌گوید: پرسیدم مؤمن با چه چیزی خود را خوار می‌نماید؟ فرمود: کاری را عهده‌دار شود که توانایی انجامش را نداشته باشد.

۵.۹. ضایع نکردن و به سرانجام رساندن کار
 آنچه یک انسان دارای وجودان در کار و تلاش خود با آن سر و کار دارد، مداومت در امور است. بسیاری از افراد، کاری که به آنها محول شده را خوب و با دقت آغاز می‌کنند، اما به سرانجام نمی‌رسانند و یا این که پایان آن، با ضایع

کردن همراه می‌شود. از نگاه معصومین علیهم السلام، انسانی که کار محول شده را در ابتدا به خوبی آغاز می‌کند، اما آرام آرام همان کار یا اصل آن را خراب و ضایع می‌نماید، با «خائن» هیچ تفاوتی نخواهد داشت. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ما أَبَالِي إِلَى مَنْ أَتَتْمَتَّ خَائِنًا أَوْ مُضِيَّاً» (همان، ج ۵، ص ۵۴۰)؛ از نظر من فرق نمی‌کند که کار را به «خائن» واگذار کنیم یا به ضایع کننده. این سخن بزرگ باید برای همه مردم و به خصوص برای مأموران اداری و صاحب کاران به صورت منشور درآید. در این تعلیم نابود کردن و تضییع کار در ردیف «خیانت در کار» ذکر شده است. تضییع کار یا از عدم مهارت ناشی می‌شود یا از عدم تعهد و تقيید به اصول و موازین و نبودن وجدان کار. مداومت بر کارهاست که جوهره افراد را بروز می‌دهد و بی‌شک مداومت، بسیار دشوارتر از آغاز کردن است. امام باقر علیه السلام در این خصوص فرموده‌اند: «الإِبْقاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعِلْمِ» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۵، ح ۱۶۵)؛ مداومت بر کار، دشوارتر از خود کار است.

علاوه بر مؤلفه‌های ذکر شده برای تحقق وجدان کاری، مؤلفه‌های دیگری نیز وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: حضور به موقع در محل کار، دقت در چگونگی استفاده از منابع و امکانات، قانون‌مداری در برخورد با مراجعان و همکاران، رعایت انصاف، ایثار و گذشتן از حق خود به خاطر دیگران، انجام کار با قصد قربت، رعایت ادب و نزاکت در برخورد با مسؤولان، همکاران و مراجعان، برخورداری از دید مثبت به کار، سازمان و همکاران خود، و حضور فعال در سازمان.

۱۰. راهکارهای ایجاد و تقویت وجودن کاری بر مبنای فرهنگ و آموزه‌های اسلامی

﴿۱۵۱﴾

۱۰.۱. توجه دادن به امانت الهی بودن همه امکانات و فرصت‌ها

یکی از راهکارهای ایجاد و تقویت وجودن کاری این است که افراد متوجه امانت الهی بودن همه امکانات و فرصت‌ها باشند.

در آیات ۷۲ و ۷۳ سوره احزاب، این مطلب یادآوری شده است که همه امکانات و فرصت‌های موجود، امانت الهی‌اند (صدر، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲) و انسان به عنوان خلیفه و امین خداوند باید به آن همچون امانت الهی بنگرد و از آن در موارد تعیین‌شده و مشروع بهره‌برداری کنند. براساس این آیات، اول خداوند فرصت حمل امانت الهی را برای همه موجودات فراهم کرد، دوم از میان همه آنها، تنها انسان بود که به پذیرش چنین بارگرانی تن داد. از این آیه استفاده می‌شود که خداوند به همه انسان‌ها این فرصت را به طور برابر عطا کرده است تا با اختیار خود امانت الهی را پذیریند. بنابراین، امکانات، نعمت‌ها و فرصت‌های موجود، همگی به سان امانت در دست تک‌تک افراد انسان قرار دارند و همگی براساس این آیه پذیرفته‌اند که جز در موارد مرضى خداوند از آنها استفاده نکنند.

۱۰.۲. آگاهی دادن به کارکنان درباره هدف سازمان

وجودن کاری در صورتی محقق می‌شود که با دقت انجام شود، یعنی وجودن کاری، صرف انجام کار نیست؛ بلکه انجام کار از روی آگاهی و دقت است. این دو خاصیت وقتی محقق می‌شوند که مدیر، کارکنان را نسبت به هدف و نیز چگونگی انجام کار آگاه کند و اگر کارکنان از رسالت سازمان و نیز کیفیت انجام کار آگاهی نداشته باشند، ممکن است کارها را با بی‌میلی و نیز با اتلاف منابع زیاد، انجام دهند. از این‌رو، هم خود و هم سازمان را دچار سردرگمی نمایند. به همین دلیل است که امیر المؤمنین علی علیله آگاهی‌بخشی به مردم را یکی از وظایيف عمده مدیر می‌داند: «ای مردم! مرا برشما و شما را بمن حقی

واجب شده است. حق شما بر من آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید» (دشتی، ۱۳۸۹، ۳۴).^{۳۴}

۳.۱۰. ایجاد باور به عبادت بودن کار

کار و اشتغال در بینش توحیدی اسلام، یک ارزش شمرده می‌شود و تلاش بیشتر در کارهای دنیوی و اخروی، زمینه سعادت و رستگاری افراد را در دنیا و آخرت فراهم می‌کند و آنان را تا درجه جهادگران در راه خداوند بالا می‌برد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: کسی که برای تأمین معاش خانواده‌اش تلاش می‌کند، همانند مجاهد در راه خداست (صدقوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۰۸).

البته جهاد بودن کار و تلاش، منوط به رعایت الزامات خاص است؛ از جمله این که کار باید به صورت دقیق و جامع و کامل انجام شود. چنان که در این زمینه از پیامبر ﷺ چنین نقل شده است: هرگاه کاری را انجام می‌دهید، آن را به صورت نیک و کامل و جامع به انجام رسانید؛ چرا که کارها به تمام شدن آنها، و اعمال به پایان‌های درست و کامل آنها تعریف می‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۷، ص ۱۵۶).

بُرْزِشْتَهِيِّ اَنْجَلِيِّ وَ اَنْجَلِيِّ وَ اَنْجَلِيِّ وَ اَنْجَلِيِّ وَ اَنْجَلِيِّ وَ اَنْجَلِيِّ

۴.۱۰. پرهیز دادن از اسراف و تبذیر

خداوند در آیات ۲۶-۲۷ سوره اسراء، از اسراف و تبذیر نهی فرموده است. تبذیر به معنای پاشیدن یا اسراف بوده و در واقع، از بذرافشانی گرفته شده است؛ با این تفاوت که افساندن در آنجا به منظور بهره‌برداری، و در اسراف به منظور افساد است. به همین دلیل در هر جا که پاشیدن به منظور اصلاح و به طور گسترده باشد، از اصطلاح تبذیر استفاده نمی‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۳۳). ﴿وَ آتِ
ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ اِنَّ السَّبَبِيلَ وَ لَا تُبَذِّرْ تُبَذِّرْ اِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا اِخْوَانَ

الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كُفُورًا (اسراء/۲۷). در این آیه خداوند مبدلین را برادران شیطان معرفی کرده است؛ یعنی همان گونه که شیطان از نعمت‌های خداوند در راه درست و تعیین شده‌اش استفاده نکرد و از آن در راه گمراه نمودن انسان‌ها استفاده کرده و می‌کند، اسراف کتندگان نیز این گونه‌اند و زمان و امکانات الهی را در راه نادرست و نامشروع استفاده می‌کنند. به این ترتیب، فردی هم که فاقد وجودان کاری باشد و از انجام درست، به موقع و دقیق کار براساس اصول و ضوابط شرعی و قانونی شانه خالی نماید، از اسراف کتندگان و برادران شیاطین خواهد بود. بنابراین، توجه دادن به حرمت اسراف و تبدیل هم باعث می‌شود که وجودان کاری در افراد تقویت شود.

۱۰.۵. ایجاد حس مسؤولیت‌پذیری در برابر وظایف خود

خداوند در آیه ۴۸ سوره بقره، مسؤولیت عمل هر فرد را مربوط به خود او می‌داند و یادآور می‌شود که هیچ کس به جای دیگری مجازات نمی‌شود. براساس این آیه، هیچ فردی به خاطر فرد دیگری مجازات نمی‌شود و هر کسی مسؤولیت اعمال خویش را به عهده دارد؛ اگر کارش نیک بود، شایسته پاداش و اگر گناه باشد، سزاوار عقاب است. از کسی هم شفاعت قبول نمی‌شود؛ همین طور، پذیرش عوض و غرامت برای رهایی از عقاب، در پیشگاه عدل الهی راه ندارد. بنابراین فرد می‌ماند و اعمالش؛ اگر عملش نیک باشد، به سعادت رسیده است و اگر اعمالش گناه باشند، باید منتظر عقاب در دنای الهی باشد.

در آیات ۱۳-۱۵ سوره اسراء نیز به این مطلب توجه شده است. در این آیات، خداوند هر کسی را مسؤول اعمال خود دانسته و برای اعمال هر فردی، دفتر ثبتی در نظر گرفته است تا فردای قیامت با آن محشور شود. در آن روز است که به اعمال هر فردی به طور جداگانه و مستقل حسابرسی می‌شود.

۶.۱۰ تأمین مناسب نیازهای مادی کارکنان

امیرالمؤمنین علی^{علیہ السلام} در این باره چنین فرموده است: «پس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی، در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان، اگر فرمانات را پذیرند یا در امانت تو خیانت کنند» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۵۷۹).

این طبیعی است که هر کس برای کارهایش ارزشی قائل است و خواهان آن است که گیرنده کار، پاداشی در مقابل آن و سود حاصل از آن به او اعطا کند. امروزه این مسأله چنان خود را نمایانده است که قائل شدن سهمی از سود شرکت برای کارمندان یکی از روش‌های بهبود کارهای سازمان و افزایش بهره‌وری آن تلقی می‌شود (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۴).

عده‌ای از دانشمندان برآورده شدن نیازهای مادی را پایه روابط سالم صنعتی و اداری می‌دانند؛ یعنی اگر نیازهای مادی کارکنان برآورده شود، هیچ‌گاه کارمندان به کارهای خلافی چون رشوه گرفتن و پذیرش دستورهای خلاف قانون انسان‌های ماجراجوی درون سازمان و مانند آن اقدام نمی‌کنند؛ ولی اگر نیازهای مادی آنها برآورده نشود، مجبورند که به آن کارها روی آورند (علوی، ۱۳۷۰، ص ۵).

آنچه این دانشمندان یادآوری کرده‌اند، همان مطالبی است که حضرت علی^{علیہ السلام} به مالک اشتر فرموده است. آن حضرت می‌فرمایند: «روزی فراوان بر آنان ارزانی دار...».

با توجه به همین گواهی‌ها و پژوهش‌های میدانی، می‌توان گفت که اصلاح اغلب کارمندان، وابسته به تأمین نیازهای مادی آنان است و پس از تحقیق این مهم، انتظار انجام کارها به صورت درست و با وجودان کاری، امری معقول است، چرا که وجودان کاری، یکی از نیازهای فرامرتبه و یکی از کمالات نفس می‌باشد.

علاوه بر راه کارهایی که برای ایجاد و تقویت وجودان کاری اشاره شد، راه کارهای دیگری نیز وجود دارد که ایجاد حس قانون‌گرایی در فرد، ایجاد پایبندی به تعهدات کاری، رعایت عدالت و برابری و استفاده از ارتباطات مفید و مؤثر گروهی از جمله آنها هستند.

۱۱. راهکارهای ایجاد نظم و انضباط در کار بر مبنای فرهنگ و آموزه‌های اسلامی

نظم به خودی خود ایجاد نمی‌شود، بلکه وابسته به عواملی است که هر یک در به وجود آمدن و بقای آن تأثیرگذار است.

روح و فکر نظم یافته، در برون انسان ظهور می‌یابد و از دیگر سوی ظاهر بی‌سامان، در آشفتگی روح و پریشانی فکری تأثیر دارد. به دیگر سخن، ظهور نظم در سخن، رفتار و زندگی انسان، ریشه در دل و جان وی دارد و روح آشفته نیز از ظاهری بی‌سامان سرچشمه می‌گیرد.

۱۱.۱. دینداری

مهم‌ترین راه کار مؤثر بر ایجاد نظم وجود یک سلسله باورها و ارزش‌های دینی است.

در نتیجه التزام به تعهدات دینی بهترین و کامل‌ترین روش برای ایجاد نظم در فرد و جامعه است، چرا که بین دین حقیقی و نظم، هماهنگی تنگاتنگی وجود دارد تا جایی که می‌توان گفت انسان مؤمن، مصدق عینی و کامل انسان منظم است.

آیات نخستین سوره مؤمنون به صفات این دسته از انسان‌ها اشاره می‌نماید. تأمل در این ویژگی‌ها به روشنی حضور نظم در زندگی یک انسان مؤمن را به تصویر می‌کشد.

از آن روی که امور دینی پیوندی ناگرسختی با نظم دارند، قرآن به عنوان

ترسیم کننده نظام زندگی بشر در مسایل مادی و معنوی و دستورالعمل دینداری در سخن امام علی علیه السلام این گونه توصیف شده است:

«...أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَأْتِي وَالْحَدِيثُ عَنِ الْمَاضِي وَدَوَاءَ دَائِكُمْ وَنَظَمَ مَا يَبْنَكُمْ» (دشتی، ۱۳۸۹، خطبه، ص ۵۴)؛ بدایید که در قرآن علم آینده است و حدیث گذشته، درد شما را درمان است و راه سامان دادن (نظم) کارتان در آن است.

بر این اساس تا فرد و جامعه به دین و ارزش‌های اخلاقی نیاز داشتند و آن را از نظر کاربردی در زندگی روزانه خود به کار نگیرند انصباط نیز به وجود نخواهد آمد.

۲.۱۱. انگیزه

ایجاد انگیزه و احساس مسؤولیت جوهره اصلی انسانیت و مرز بین انسان و سایر موجودات است. انگیزه یک منبع انرژی است که تعهدات را در وجود انسان زنده نگاه می‌دارد. فرد بی مسؤولیت از فضای حقیقی انسانی خارج است. قرآن کریم درباره افراد بی مسؤولیت دوزخ‌نشین می‌فرماید: ﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بَهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبَصِّرُونَ بَهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بَهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَخْلَى أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف/ ۱۷۹)؛ دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشم‌اندازی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شوند، آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند، [آری] آنها همان غافل ماندگانند.

انگیزه شخص از باورهای وی شکل می‌گیرد. اعتقادات دینی به انگیزه شکل دینی می‌دهد و در قوت و تداوم بخشیدن به آن نیز نقش بالایی ایفا می‌کند. اعتقاد به این که ما در مقابل خداوند و تکالیفی که به عهده ما گذشته است، مسؤول هستیم، انگیزه را تقویت می‌کند. از این رو به طور معمول انگیزه‌های

نشأت گرفته از ایمان، از استحکام و دوام بیشتری نسبت به انگیزه‌های مادی برخوردارند.

برای دست یافتن به نظم در امور مختلف زندگی، لازم است انگیزه و شوق در شخص ایجاد شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «من لم يعرف منفعة الخير لم يقدر على العمل و من لم يعرف مضره الشى لم يقدر على الامناع منه» (واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۷)؛ کسی که سود کار خیر نشناخته، بر انجام آن ناتوان است و کسی که زیان شیء را نشناخته، توان اجتناب از آن را ندارد. به هر میزان شناخت وی نسبت به این حقیقت و جایگاه آن بیشتر شود، انگیزش فرد در ایجاد نظم بیشتر می‌گردد. لذا بالا بردن آگاهی، هدف داری، ایجاد فرهنگ نظم‌داری، تقویت روحیه جمعی، انگیزه نظم‌داری را تقویت نموده و قدمی در مسیر ایجاد نظم می‌باشد.

۳.۱۱. عدالت

عدالت به عنوان یک اصل دینی زمینه‌ساز ایجاد نظم و انضباط در زوایای مختلف زندگی است. همچنین این توجه به این اصل نقش مؤثری در ایجاد و تقویت وجودان کاری دارد.

عدالت از ریشه عدل است که در لغت‌نامه‌ها به معانی دادگری، ضد جور، استوا، برابری و... استعمال شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ذیل ماده عدل). عدالت در مفهوم وسیعش، عبارت است از: دادن حق صاحبان استحقاق بدون هیچ تبعیضی به آنها. اگر حق هیچ صاحب حقی ادا نشود، به خلاف عدالت است؛ همچنان که اگر تبعیض باشد و حق بعضی داده شود و حق بعضی دیگر داده نشود، باز به خلاف عدالت است. عدالت از این منظر، ملازم با مساوات است، یعنی به همه به چشم مساوی نگریستن و تبعیض قائل نشدن. لازمه این گونه مساوات، عدالت است، یعنی این که به هر کسی طبق استحقاقش داده شود.

اگر زیاد استحقاق دارد، زیاد داده شود و اگر کم استحقاق دارد، کم داده شود و در این جهت تبعیضی صورت نگیرد (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۶، صص ۴۶-۴۷).

میان عدالت و نظم ارتباط تنگاتنگی برقرار می‌باشد. عدالت با ایجاد روشی خاص در فرد او را از افراط و تغیریط باز می‌دارد و زمینه پیمودن مسیر مستقیم را فراهم می‌نماید و زمینه فساد و بی‌نظمی را از بین می‌برد.

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «اسْتَعْمَالُ الْعَدْلِ وَالإِحْسَانِ مُؤْذِنٌ بِدَوَامِ النَّعْمَةِ» (صدق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۴)؛ به کارگیری عدل و احسان و نیکوبی موجب دوام و باقی ماندن نعمت می‌شود.

بقای جامعه به عدالت است در جایی که عدالت نیست، انتظار پاکی و انضباط و وجودان کاری انتظاری بیهوده است. روش و منش اسلام به عدالت است و با خاموش شدن عدالت، هیچ راهی را برای ساماندهی مردم جامعه نمی‌توان یافت.

۴.۱۱. الگوسازی

الگوسازی، تأثیر فراوانی بر ایجاد نظم در فرد و جامعه دارد. روحیه تأثیرپذیر آدمی از محیط و افراد، معرفی الگوهای سالم را ضروری می‌نماید تا مسیری برای دست یافتن به صفات نیکو باشد. قرآن کریم برای معتقدان به عالم آخرت، پیامبر اعظم ﷺ را به عنوان الگو معرفی نموده **﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ﴾** (احزاب/ ۳۳ و ۲۱) **﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ﴾** (ممتحنہ/ ۶۰ و ۴). پیامبران الهی در جنبه‌های مختلف زندگی نمونه و اسوه‌ای کامل هستند. خداوند با بیان نمونه‌هایی از زندگی آنان در قرآن کریم زمینه عبرت‌آموزی را برای مردم فراهم نموده و با الگوسازی مثبت افراد را به نیکی‌ها و از آن میان نظمی که بر زندگی این انسان‌های بزرگ حاکم بوده، رهنمون ساخته است.

امامان بزرگوار علیهم السلام نیز الگوها و اسوه‌های فکری، اعتقادی، عملی و اخلاقی

می باشند. از این رو، گفتار، رفتار، کردار و تقریر آن بزرگواران دلیل و برهان شرعی است. بدین جهت نجات تنها در پیروی کردن از آنان منحصر گردیده است. امام رضا علیه السلام نیز به عنوان الگوی کاملی برای انسان‌ها، چه در دوران زندگی و حیات و چه برای مردمان پس از خود، دارای سرشت‌هایی بود که همگان را به شکفتی وامی داشت و دوست و دشمن را فریته و شیفته خود می ساخت (حکیمی، ۱۳۸۴).

بنابراین الگوسازی در کارها راه کاری مؤثر در ایجاد نظم و انضباط خواهد بود که او را به سوی موفقیت رهنمون سازد.

۵.۱۱. تقویت سیستم نظارتی

نظارت مستمر و دقیق از راه کارهای ایجاد نظم در کارهاست. برنامه‌ریزی بدون نظارت، محکوم به انحراف از هدف و شکست در نتیجه است. آموزه‌های دینی، جهت نظم بخشیدن به رفتار فرد و جامعه، نظارت بر خویشتن و کارگزاران و کارمندان را توصیه نموده‌اند. امام صادق علیه السلام در توصیه به حسابرسی رفتار روزانه خویشتن می‌فرمایند:

بر هر مسلمانی که نسبت به ما معرفت دارد لازم است در هر روز و شب کار خود را بر خویشتن عرضه نماید و به حساب نفس خود برسد. اگر کار خوبی دید، بیشتر به دنبال آن باشد و اگر بدی دید از آن استغفار نماید تا در روز قیامت سرشکسته و رسوانشود (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۰). روشن است، حسابرسی از خویشتن منجر به برنامه‌ریزی و نظم در کارها می‌شود.

نتیجه‌گیری

اسلام در راستای تحقق جامعه مطلوب، عوامل مؤثر در تقویت و جدان کاری را مهم می‌داند. ثبات روحی و روانی و پیشرفت به واسطه وجدان‌های پاک میسر می‌شود. با توجه به آیات و روایات پیرامون این موضوع به این نتیجه می‌رسیم که

دقت کافی در امور، گماردن افراد لایق با انگیزه‌های الهی و خدایی، ضایع نکردن کارها و صبر و حوصله باعث انجام امور به صورتی می‌شود که هدف نهایی یک اجتماع خوب را در پی خواهد داشت.

اسلام با تشویق به نظم در امور زندگی، مسلمانان را به سرعت بخشیدن در رسیدن به هدف خویش تشویق کرده است. به طور کلی، دین‌داری با بی‌نظمی تضاد دارد. نظم و انضباط جامعه را به صورت یک سیستم با اجزایی به هم مرتبط، سازمان می‌دهد و حیطه وظایف هر عنصر را معین می‌کند. اگر نظم و انضباط در هر اجتماعی بر تمام افراد و نیز مؤسسات آن حاکم باشد، آرامش و امنیت و رضایت‌مندی تمام مردم را به دنبال خواهد داشت.

راه کارهایی که در این تحقیق در مورد انضباط ارائه شد، برای وجود کاری نیز مصدق پیدا می‌کند، همچنین مؤلفه‌هایی که در خصوص وجود کاری بیان شد برای انضباط نیز قابلیت کاربرد دارد. این دسته‌بندی به دلیل کاربرد بیشتر هر یک در موضوعات مورد اشاره بود، ولی در کل هر یک از راه کارهای استخراج شده برای دیگری نیز مصدق پیدا می‌کند. مؤلفه‌هایی که در خصوص نظم و انضباط وجود کاری در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، تنها تعداد اندکی است که به اختصار برخی از مهم‌ترین آنها ارائه شد. همچنین راه کارهای بسیاری برای ایجاد و تقویت انضباط وجود دارد که در این تحقیق مهم‌ترین آنها تشریح گردید و به برخی نیز به صورت موردنی اشاره شد. در پایان ذکر این نکته ضروری است که افرادی که در کارهای خود نظم و انضباط داشته و وجود کاری دارند، بیشتر از دیگران در زندگی موفق هستند. اگر تمام افراد جامعه به این دو مقوله اهمیت دهند، نقش مؤثری در توسعه و پیشرفت آن جامعه خواهند داشت.

پیشنهادات

1. رسانه‌های گروهی (مطبوعات، صدا و سیما و سینما) شرایط و زمینه‌های لازم

را برای تبلیغ و ترویج روحیه انضباط و وجودان کاری در افراد جامعه ایجاد کند.

﴿۱۶۱﴾

۲. مراکز فرهنگی، از طریق برنامه‌های مناسب هنری و فرهنگی، افراد باسواد و بی‌سواد جامعه را در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور سهیم کند و روحیه وجودان کاری و انضباط را در آنان تقویت کند.
۳. روزنامه‌ها و مجلات افراد جامعه را با کم و یافی انضباط و وجودان کاری، عوامل و شرایط ظهور، موانع بروز و رشد و راه‌های دست‌یابی به آن آشنا کند.
۴. فیلم‌ها و تبلیغات سینمایی و نیز هنر نمایش قادر، با طرح مسائل مربوط به انضباط و وجودان کاری، مردم را با این دو موضوع آشنا کنند.
۵. در تحقیق دیگری میزان رعایت نظم و انضباط وجودان کاری در سازمان‌ها مورد بررسی قرار گیرد تا دلایل کم توجهی به این دو مقوله شناسایی شده و راه‌کارهای مناسبی جهت حل آن ارائه نمایند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
۳. علوی، سید امین الله (۱۳۷۰)، «چگونه می‌توان پرداخت حقوق و دستمزد را با کارایی و بهره‌وری پیوند داد»، مجله مدیریت دولتی، شماره ۱۴، صص ۲۹-۵۷.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد (بی‌تا)، تصنیف غرر الحكم و درر الكلم، تحقیق: مصطفی درایتی، قم، مکتب الأعلام الإسلامی.
۵. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ فشرده سخن، تهران، انتشارات سخن.
۶. بلانکارد، کنت (۱۳۷۴)، سیری در کمال فردی، ترجمه محمد رضا آل یاسین، تهران، منفرد.
۷. ثعالبی، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، تفسیر ثعالبی، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
۸. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظام، تهران، نی.
۹. حرائی، حسن بن علی بن الحسن بن شعبه (۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.

۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل الیت بلاص.
۱۱. حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۴)، الحیاة، ترجمة احمد آرام، چاپ پنجم، قم، دلیل ما.
۱۲. حکیمی، محمد (۱۳۷۰)، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی بلاص، مشهد، انتشارات آستان قدس.
۱۳. دشتی، محمد (۱۳۸۹)، نهج البلاغه، قم، انتشارات اشکذر، چاپ دوازدهم.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۹)، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. رجبزاده، احمد (۱۳۷۳)، ارزش‌ها و ضعف وجودان کاری در ایران، نامه پژوهش شماره ۵.
۱۶. رسولی محلاتی، هاشم (۱۳۷۷)، غررالحکم و دررالکلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۸۲)، راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای، تهران، رشد.
۱۸. صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۹)، الاسلام یعود الحیاة، قم، مرکز الابحاث والدارسات تحقیقیه للشیهد صدر.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسین اعلی‌ی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵)، علل الشرایع، نجف، المکتبة الجیدریه.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا، تهران، جهان.
۲۲. طرسی، فضل ابن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۳. طوسی، محمد علی (۱۳۷۰)، «مشارکت به چه معنا است؟»، مجله مدیریت دولتی، شماره ۱۳.
۲۴. طوسی، محمد علی (۱۳۷۰)، مشارکت در مدیریت و مالکیت، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ سوم.
۲۵. علی بن موسی، امام هشتم بلاص (۱۳۸۱)، طب الرضا بلاص، ترجمة امیر صادقی، نصیر الدین، تهران، معراجی، چاپ ششم.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، اصول الکافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۲۷. مجتبوی نائینی، مهدی (۱۳۷۲)، عنوان و شرح مسؤولیت: فرهنگ اصطلاحات کار و تأمین اجتماعی، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، لبنان، مؤسسه الوفاء.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)، میزان الحكمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۰. تریسی، برایان (۱۳۸۹)، مدیریت زمان، رموز استفاده بهتر از وقت در زندگی و کار، ترجمه اشرف رحمانی و کورش طارمی، تهران، کتابسرای بیان.

۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، *جامعه و تاریخ*، تهران، صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
۳۳. معین، محمد (۱۳۸۰)، *فرهنگ معین*، تهران، ساحل، چاپ سوم.
۳۴. منطقی، محسن (۱۳۷۵)، «گامی به سوی نهادینه کردن و جدان کاری در سازمانها»، مجله *معرفت*، سال پنجم، شماره اول، شماره ۱۷.
۳۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۶ق)، *فقه المنصوب للامام رضا*، تحقيق مؤسسه آل البيت ع، قم، مشهد الموتر العالمی للامام رضا ع.
۳۶. نادری، قمی (۱۳۷۵)، «درآمدی بر ارتقای وجдан کاری»، مدیریت دولتی، شماره ۳۵.
۳۷. نوری، محمد حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت ع.
۳۸. واسطی، علی بن محمد لیثی (۱۳۷۶)، *عيون الحكم و الموعظ*، محقق حسین الحسنی البیرونی، قم، دارالحدیث.

